

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال نهم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۶

بررسی محمول‌های مکانی در زبان فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع^۱

والی رضایی^۲
ذلیخا عظیم‌دخت^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۵/۱/۱۷

چکیده

این پژوهش در پی آن است تا محمول‌های مکانی در زبان فارسی را در چارچوب دستور نقش و ارجاع، دو تحلیل ارائه‌شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و همچنین بتین (۲۰۰۴) بررسی کند و دسته‌بندی معنایی از محمول‌های مذکور ارائه دهد. در کنار این هدف اصلی، هدف دیگری که پی می‌گیریم، محک کارایی هر یک از تحلیل‌های یادشده در زبان فارسی و به‌ویژه تحلیل ارائه‌شده از سوی بتین است. بتین (۲۰۰۴) معتقد است تشابهی میان ظرفیت معنایی و نحوی محمول‌های مکانی ایستا در چارچوب دستور نقش و ارجاع وجود ندارد. همچنین توازنی میان تعداد

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2016.2436

^۲ دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان؛ vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ z.azimdokht@fgn.ui.ac.ir

موضوع‌ها در ساخت منطقی و تعداد فرانتش‌ها مشاهده نمی‌شود. این امر موجب بروز تناقض نظری در یکی از بندهای اصول اعطای فرانتش گردیده است. شایان ذکر است عنصر مکان در محمول‌های مکانی ایستا غالباً به دو صورت مسند یا گروه قیدی ظاهر می‌شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد، آنچه بتین تناقض نظری می‌داند، در باب محمول‌های مکانی ایستا در زبان فارسی صدق می‌کند؛ همچنین در باب افعال لحظه‌ای، پایا و افعال کنشی پایا نیز صادق است؛ اما در باب افعال کنشی صدق نمی‌کند. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن عنصر مکان به‌عنوان محمولی مجزا، محمول‌های مکانی ایستا ضرورتاً لازم محسوب می‌شوند و نه گزاره‌هایی استثنایی و از این طریق می‌توان میان تعداد موضوع‌ها در ساخت منطقی و تعداد فرانتش‌ها در چارچوب دستور نقش و ارجاع توازن برقرار کرد.

واژه‌های کلیدی: محمول‌های مکانی، دستور نقش و ارجاع، ظرفیت

معنایی، فرانتش

۱. مقدمه

رابرت دی. ون‌ولین^۱ و ویلیام فولی^۲ در اوائل دهه ۱۹۸۰ دستور نقش و ارجاع را مطرح کردند. این دستور به تعامل نحو، معناشناسی و کاربردشناسی در نظام‌های دستوری توجه ویژه‌ای دارد و از جمله دستورهای نقش‌گرا محسوب می‌شود. آنچه سبب تمایز دستور نقش و ارجاع از رویکردهای «صورت‌گرا» می‌شود این نکته است که ساختار آن تنها با ارجاع به معنی و نقش ارتباطی توصیف‌پذیر است (ون‌ولین و لاپولا، ۱۳:۱۹۹۷). یکی از انواع محمول‌هایی که در این دستور وجود دارد، محمول‌های مکانی^۳ است. همان‌طور که از نام این نوع محمول‌ها پیداست، یکی از موضوع‌های آن «مکان»^۴ است. ون‌ولین و لاپولا (همان: ۱۱۵) دربارهٔ محمول‌های مکانی ایستا^۵ معتقدند محمول‌های یادشده دو موضوع

^۱ R. D. Van Valin

^۲ W. Foley

^۳ locative predicate

^۴ location

^۵ locative states

دارند که شامل شیء یا «فرد موجود در مکان»^۱ و مکان است. لازم به ذکر است که عنصر مکان در محمول‌های مکانی ایستا غالباً به صورت مسند ظاهر می‌شود؛ مانند جمله «مریم در آشپزخانه است»، که «در آشپزخانه» در جمله مدنظر موضوع دوم محمول مکانی ایستا است که به شکل مسند آمده است. همچنین ممکن است این عنصر مکانی به صورت گروه قیدی نیز به کار رود. به عنوان مثال در محمول‌های کنشی عنصر مکانی به صورت گروه قیدی و یا به تعبیر ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۱۵۹)، گروه حرف اضافه افزوده^۲، ظاهر می‌شود. به عنوان مثال «در پارک» به عنوان گروه قیدی جمله «علی در پارک می‌دود» محسوب می‌شود. محمول‌های مکانی ایستا دو ظرفیت معنایی و یک ظرفیت نحوی^۳ دارند. به این ترتیب علی‌رغم وجود دو موضوع در ساخت منطقی‌شان، تنها یک فرانش^۴ دارند. این مسئله نیز با بند «الف‌ا» اصول اعطای فرانش‌ها^۵ که اشاره به وجود رابطه و همبستگی^۶ میان تعداد موضوع‌ها و فرانش‌ها می‌کند، در تناقض است؛ حال آن که بتین (۲۰۰۴) مدعی است می‌توان با اعمال تغییر اندکی در ساخت منطقی این نوع محمول‌ها، تفاوت میان ظرفیت معنایی و نحوی آنها را از بین برد و همچنین تناقض نظری‌ای که میان رابطه ظرفیت معنایی و تعداد فرانش‌ها در چارچوب دستور نقش و ارجاع وجود دارد (بند الف‌ا اصول اعطای فرانش) مرتفع نمود.

پژوهش حاضر درصدد است انواع محمول‌های مکانی در زبان فارسی را در چارچوب دستور نقش و ارجاع و همچنین براساس دو تحلیل ارائه‌شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و بتین (۲۰۰۴) بررسی نماید و دسته‌بندی معنایی از آنها ارائه دهد. به این صورت کارایی هر یک از تحلیل‌های مدنظر درباره محمول‌های مکانی در زبان فارسی روشن می‌شود. برای نیل به این مهم، پژوهش حاضر از چهار بخش تشکیل شده است. بخش دوم با عنوان «مبانی نظری» خود دو زیربخش دارد. در زیربخش اول به معرفی اجمالی دستور نقش و ارجاع می‌پردازیم. همچنین گذری بر مفاهیم کلیدی مربوط به بخش تحلیل داده‌ها

¹ located entity

² adjunct preposition

³ syntactic valency

⁴ macrorole

⁵ macrorole assignment principles

⁶ correlation

خواهیم داشت. در زیربخش دوم، تحلیل و ادعای صورت گرفته از سوی بتین (۲۰۰۴) در باب محمول‌های مکانی در زبان بانگی^۱ ارائه می‌شود. در بخش سوم بر روی تحلیل داده‌ها متمرکز می‌شویم و کارایی هر یک از تحلیل‌های ارائه‌شده را این‌بار در زبان فارسی می‌سنجیم. در نهایت نیز در بخش چهارم، نتایج پژوهش حاضر ارائه خواهد شد.

۲. مبانی نظری

۲.۱. دستور نقش و ارجاع

دستور نقش و ارجاع «به تعامل نحو، معناشناسی و کاربردشناسی در نظام‌های دستوری می‌پردازد» (ون‌ولین، ۲۰۰۵: ۱). این نظریه نقش‌گرا در اوایل دهه ۸۰ میلادی از سوی زبان‌شناسانی چون ون‌ولین و فولی مطرح شد. آنها (۱۹۸۴: ۸) بر این باورند که دستور نقش و ارجاع همانند سایر نظریه‌های نقش‌گرا، زبان را به‌عنوان نظام ارتباط انسانی می‌پندارد. دو پرسش اساسی که بنیان‌گذاران دستور نقش و ارجاع مطرح کرده‌اند، به شرح زیر است:

الف. چنانچه نظریه زبانی براساس تحلیل زبان‌های مختلفی مانند لاکوتا^۲ و تاگالوگ^۳

باشد، نظریه زبانی حاصل چگونه خواهد بود؟

ب. چگونه می‌توان تعامل میان نحو، معناشناسی و کاربردشناسی در نظام‌های زبان‌های

مختلف را تبیین نمود؟

دستور نقش و ارجاع از یک سطح نمایش نحوی برخوردار است. به عبارت دیگر، این نظریه برخلاف نظریه‌های زایشی مانند نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی^۴ هیچ‌گونه ساخت انتزاعی‌ای در نظر نمی‌گیرد. به همین علت است که ون‌ولین (۲۰۰۱: ۲۰۹) ادعا می‌کند دستور نقش و ارجاع نظریه‌ای کمینه‌گرا است. ساخت معنایی و ساخت نحوی در این دستور به گونه‌ای مستقیم با هم ارتباط پیدا می‌کنند و جمله‌های زبان را تولید می‌کنند، البته عوامل کاربردشناختی و گفتمانی نیز تأثیرگذارند. شکل ۱ انگاره نظری دستور نقش و ارجاع را نشان می‌دهد.

^۱ Bonggi

^۲ Lakhota

^۳ Tagalog

^۴ Government and Binding Theory



شکل ۱: نظام دستور نقش و ارجاع

الگوریتم پیوندی دوسویه تعامل میان بازنمایی نحوی و معنای را از دید گوینده (معناشناسی به نحو) و شنونده (نحو به معناشناسی) توصیف می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که دوسویه بودن الگوریتم پیوندی به معنای گشتاری بودن فرایند پیوند نیست. به عبارت بهتر، هیچ نوع صورت روساختی و ژرف ساختی وجود ندارد. همچنین مفاهیم انتزاعی مانند PRO، ردها، افعال سبک و غیره در این دستور جایی ندارد. در حقیقت، دوسویه بودن پیوند میان بازنمایی‌های نحوی و معنایی امکان بررسی پاره گفتاری را از دو زاویه دید فراهم می‌سازد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، عوامل کاربردشناختی و کلامی می‌توانند بر هر مرحله از این فرایند تأثیر بگذارد. در دستور نقش و ارجاع تعامل عوامل کاربردشناختی و کلامی با نحو و معناشناسی یکی از چندین طرق اصلی است که در آن زبان‌ها با یکدیگر متفاوتند (ون‌ولین، ۲۰۰۵: ۲۰). بنابراین، در این نظریه شاهد تقابل محورهای نحوی و معنایی از یک سو و محورهای کاربردشناختی از سوی دیگر هستیم.

۱.۱.۲ ساخت بند

ساخت بند در چارچوب دستور نقش و ارجاع دو ویژگی دارد که سبب می‌شود به تمامی زبان‌ها توجه شود و از توجه ویژه به زبان‌های هند و اروپایی جلوگیری شود. این دو ویژگی عبارتند از:

الف. نظریه ساخت بند باید تمامی ویژگی‌های جهانی و همگانی بندها را بیان کند و مشخصه‌هایی را بر زبان‌هایی تحمیل نکند که شاهدهی بر وجود آن مشخصه‌ها در زبان مدنظر یافت نمی‌شود؛

ب. نظریه ساخت بند باید از این قابلیت برخوردار باشد که ساخت‌های مشابه در زبان‌های مختلف را به شیوه‌های مشابه تحلیل و بازنمایی کند (ون‌ولین، ۲۰۰۵:۳).

ساخت بند در این نظریه لایه‌ای است و بر پایه دو تقابل معنایی که شامل تقابل عناصر محمولی و غیرمحمولی و همچنین تمایز میان گروه‌های اسمی و حرف اضافه‌ای که برای محمول، موضوع هستند و آن دسته که غیرموضوع هستند، شکل می‌گیرد. آن دسته از گروه‌های اسمی و حرف اضافه‌ای که موضوع محمول محسوب نمی‌شوند، در بخش حاشیه^۱ قرار می‌گیرند و شامل افزوده‌هایی هستند که مرکز^۲ را توصیف می‌کنند. جدول ۱ رابطه میان عناصر معنایی و سازه‌های نحوی که در ساخت لایه‌ای بند وجود دارد، نشان می‌دهد (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷:۲۷).

جدول ۱: ساخت لایه‌ای بند (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷:۲۷)

واحد نحوی	عنصر / عناصر معنایی
هسته	محمول
موضوع مرکز	موضوع در بازنمایی معنایی محمول
حاشیه	غیرموضوع
مرکز	موضوع‌ها + محمول
بند (= حاشیه + مرکز)	غیرموضوع‌ها + موضوع‌ها + محمول

۲.۱.۲. ساخت معنایی

ساخت معنایی و همچنین طبقه‌بندی افعال در دستور نقش و ارجاع براساس نظریه «نوع عمل»^۳ که وندلر^۴ (۱۹۶۷) آن را مطرح کرده است، استوار گشته است. انگاره پیشنهادی

^۱ periphery

^۲ core

^۳ Aktionsart

^۴ Vendler

وندلر از افعال ایستا^۱، لحظه‌ای^۲، پایا^۳ و کنشی^۴ تشکیل شده است. ونولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۱۰۰) دو طبقه دیگر با عنوان افعال کنشی پایا^۵ و افعال منقطع^۶ به نظام مذکور افزوده‌اند. این افعال با چهار مشخصه دوتایی [+/- ایستا^۷]، [+/- پویا^۸]، [+/- پایانی^۹] و [+/- لحظه‌ای^{۱۰}] به شکل زیر توصیف می‌شوند:

جدول ۲: طبقه‌های فعلی (ونولین، ۲۰۰۵: ۳۳)

لحظه‌ای	پایانی	پویا	ایستا	طبقه‌های فعل
-	-	-	+	ایستا (دانستن، دوست داشتن، بودن)
-	-	+	-	کنشی (باریدن، خواندن، خوردن)
+	+	-	-	لحظه‌ای (ترکیدن، خورد شدن، منفجر شدن)
-	+	-	-	پایا (بخ بستن، بهبود یافتن، یاد گرفتن)
-	+	+	-	کنشی پایا (زنگ زدن: علی زنگ رازد)
+	-	- / +	-	منقطع (عطسه کردن، سرفه کردن)

در چارچوب دستور نقش و ارجاع، رابطه میان گزاره و موضوع‌هایش در قالب ساخت منطقی^{۱۱} نمایان می‌شود. ساخت منطقی برای هر یک از طبقه‌های فعلی فوق در جدول ۳

1 state

2 achievement

3 accomplishment

4 activity

5 active accomplishment

6 semelfactive

7 static

8 dynamic

9 telic

10 punctual

11 logical structure

آمده است. نکتهٔ حائز اهمیت این است فعل‌های ایستا و کنشی دو دستهٔ اصلی هستند که ساخت منطقی دیگر فعل‌ها براساس آنها نشان داده می‌شود (پوی^۱، ۲۰۱۰:۱۰۹).

جدول ۳: طبقه‌های فعلی و ساخت منطقی آنها (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷:۱۰۹)

طبقه‌های فعلی	ساخت منطقی
ایستا	$\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)$
کنشی	$\text{do}'(x, [\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)])$
لحظه‌ای	INGR $\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)$, or INGR $\text{do}'(x, [\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)])$
پایا	BECOME $\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)$, or BECOME $\text{do}'(x, [\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)])$
کنشی پایا	$\text{do}'(x, \text{predicate}'_1(x, y))$ & BECOME $\text{predicate}'_2(z, x) \text{ or } (y)$
منقطع	SEML $\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)$, or SEML $\text{do}'(x, [\text{predicate}'(x) \text{ or } (x, y)])$

نقش‌های معنایی در این نظریه به شکلی متفاوت از سایر نظریه‌ها معرفی می‌شوند. نقش‌های معنایی در سه لایه بررسی می‌شوند. دستهٔ اول، نقش‌های معنایی مختص فعل^۲ نامیده می‌شود؛ مانند شنونده^۳، دونده^۴. دستهٔ دوم روابط معنایی^۵ هستند، این دسته شامل همان روابط معنایی می‌شوند که در سنت فیلموری معرفی شده‌اند؛ مانند کنشگر^۶، تجربه‌گر^۷. دستهٔ سوم که در چارچوب دستور نقش و ارجاع معرفی شده‌اند شامل دو فرانش^۸ با عناوین اثرگذار^۹ و اثرپذیر^{۱۰} هستند (ون‌ولین، ۲۰۰۵: ۵۴-۵۳). به نظر ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۱۴۳)، این نقش‌ها همگانی‌اند و مختص زبان خاصی نیستند. بی‌نشان‌ترین نقش معنایی برای اثرگذار و اثرپذیر به ترتیب کنشگر و کنش‌پذیر^{۱۱} هستند. نکتهٔ مهم دیگر

¹ Pavey

² verb- specific semantic roles

³ hearer

⁴ runner

⁵ thematic relations

⁶ agent

⁷ experiencer

⁸ macrorole

⁹ actor

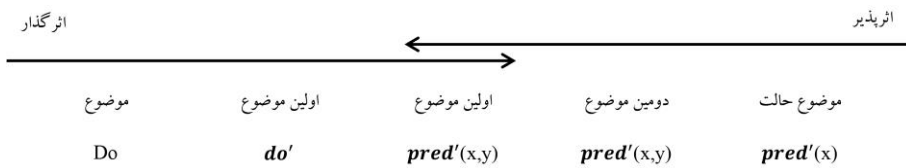
¹⁰ undergoer

¹¹ patient

این است فرانش‌های اثرگذار و اثرپذیر به‌طور کامل با نقش‌های دستوری «فاعل» و «مفعول» یکسان و منطبق نیست؛ مانند:

- گریه شیشه را شکست. گریه: اثرگذار و فاعل شیشه: اثرپذیر و مفعول
- شیشه شکست. شیشه: اثرپذیر و فاعل

رابطه میان فرانش‌ها و وضعیت موضوع‌ها در ساخت منطقی در سلسله‌مراتب دو فرانش اثرگذار و اثرپذیر ارائه می‌شود. ون‌ولین (۱۸۷:۱۹۹۶) معتقد است فرانش‌ها «رابطه اولیه میان ساخت منطقی و بازنمایی نحوی» است. انتخاب موضوعی در ساخت منطقی به‌عنوان اثرگذار و اثرپذیر براساس احتمال بوده و به‌صورت سلسله‌مراتب در شکل ۲ آمده است:



شکل ۲: سلسله‌مراتب اثرگذار - اثرپذیر (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷:۱۴۶)

تعداد فرانش‌های یک فعل از ساخت منطقی آن پیش‌بینی می‌شود. اصول اعطای فرانش به‌صورت زیر است (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷:۱۵۲):

اصول اعطای فرانش:

الف. تعداد: تعداد فرانش‌هایی که یک فعل می‌پذیرد کمتر و یا برابر با تعداد موضوع‌ها در ساخت منطقی است.

۱. اگر فعلی دارای دو موضوع و یا بیشتر در ساخت منطقی خود باشد، دو فرانش می‌پذیرد.

مثال: مریم کتاب را به زهرا داد.

[do' (Maryam, ☺)] CAUSE [BECOME have' (Zahra, Ketab)]

i.i. اگر فعلی یک موضوع در ساخت منطقی خود داشته باشد، یک فرانش می‌پذیرد.
مثال: حسین سرفه کرد.

[SEML do' (Hossein, [Cough' (Hossein))]

ب) ماهیت: برای افعالی که یک فرانش می‌پذیرند:

i. اگر فعل دارای یک محمول کنشی در ساخت منطقی خود باشد، فرانش اثرگذار است.

مثال: علی دوید.

[do' (Ali, [run' (Ali))]

i.i. اگر فعل دارای محمول کنشی در ساخت منطقی خود نباشد، فرانش اثرپذیر است.
مثال: شیشه شکست.

INGR [break' ($\Sigma\text{I}\Sigma\text{e}$)]

۲.۲. تحلیل بتین (۲۰۰۴) دربارهٔ محمول‌های مکانی در زبان بانگی

بتین (۲۰۰۴) تحلیل جدیدی پیرامون محمول‌های مکانی در چارچوب دستور نقش و ارجاع ارائه کرده است و همچنین به طبقه‌بندی محمول‌های مذکور در زبان بانگی پرداخته است. محمول‌های مکانی ایستا در چارچوب دستور نقش و ارجاع دو موضوع دارند که شامل شیء یا فرد موجود در مکان و مکان است. اگرچه این دسته از محمول‌های مکانی ایستا در اکثر زبان‌ها از نظر معنایی دو ظرفیت دارند، از نظر نحوی حاوی یک ظرفیت هستند. از طرفی این محمول‌ها در چارچوب دستور نقش و ارجاع استثنا در نظر گرفته می‌شود و به این صورت توجیهی برای تناقض نظری حاصل میان رابطهٔ ظرفیت معنایی و یا تعداد موضوع‌ها در ساخت منطقی با تعداد فرانش‌ها به دست داده می‌شود. بتین (۲۰۰۴) برای ارائهٔ دستاورد خود پس از توضیحاتی دربارهٔ دستور نقش و ارجاع به معرفی ساخت منطقی‌ای که ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷:۱۱۵) برای محمول‌های مکانی ایستا ارائه کرده‌اند، می‌پردازد. آن‌گاه ساخت منطقی پیشنهادی خود را ارائه می‌دهد. ساخت منطقی

محمول‌های مکانی ایستا در چارچوب دستور نقش و ارجاع به شکل زیر است (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۱۵):

be- Loc' (x, y)

ساخت منطقی فوق حاوی محمول دو جایگاهی است که X و Y نیز موضوع‌های آن هستند. این درحالی است که علی‌رغم وجود دو موضوع در ساخت منطقی، محمول‌های مکانی ایستا دارای یک فرانش هستند و این مسئله نیز با بند «الف» اصول اعطای فرانش در چارچوب دستور نقش و ارجاع که می‌گوید «اگر فعلی دارای دو موضوع و یا بیشتر در ساخت منطقی خود باشد، دو فرانش می‌پذیرد» (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۵۲) در تناقض است. بتین (۲۰۰۴) برای رفع این تناقض نظری معتقد است با اعمال تغییر اندکی در ساخت منطقی محمول‌های مکانی ایستا می‌توان این مسئله را حل کرد. ساخت منطقی جدید برای این دسته از محمول‌ها به صورت زیر است (همان: ۳):

be' (x, [Loc' (y)])

بدین ترتیب دومین موضوع در ساخت منطقی فوق به شکل محمول درمی‌آید و محمول نیز در نقش موضوع محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، مکان به‌عنوان محمول و نه عبارتی ارجاعی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، محمول‌های مکانی ایستا ضرورتاً لازم و نه گزاره‌هایی استثنایی به حساب می‌آیند و از این طریق توازنی میان تعداد موضوع‌ها در ساخت منطقی و تعداد فرانش‌ها برقرار می‌گردد.

۳. تحلیل داده‌ها

آنچه در این بخش از نظر خواهد گذشت طبقه‌بندی محمول‌های مکانی فارسی براساس نظریه نوع عمل و توصیف معنایی آنها در چارچوب دستور نقش و ارجاع و دو تحلیل متفاوت ارائه شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و بتین (۲۰۰۴) است. همچنین از این طریق به محک فرضیه بتین مبنی بر وجود تناقض نظری در چارچوب دستور نقش و ارجاع در باب محمول‌های مکانی ایستا می‌پردازیم.

۳. ۱. محمول‌های مکانی

۳. ۱. ۱. افعال ایستا

ون‌ولین (۲۰۰۵:۳۳) معتقد است افعال ایستا به کنش خاصی اشاره نمی‌کنند و دارای مختصه غیرپویا^۱ و به‌لحاظ زمانی نامحدود هستند. به‌نظر رضایی (۱۳۹۱:۲۹)، «افعال ایستا بیشتر بیان‌کننده احساسات درونی، عواطف، شرایط و ویژگی‌هایی درباره حالات روان‌شناختی و مالکیت هستند، همچنین فعل «بودن» نیز ایستا محسوب می‌شود». ویژگی عمومی و بارز این نوع فعل‌ها این است که افعال ایستا ویژگی‌هایی را به شیء یا فردی نسبت می‌دهند. حال اگر این ویژگی نسبت داده شده مکان آن موجودیت^۲ باشد، محمول حاصل، محمول مکانی ایستا است. بتین (۲۰۰۴:۵) بر این باور است که در این نوع محمول‌ها غالباً مکان به‌صورت گروه حرف اضافه مکانی، قیدهای اشاره و یا افعال ایستای مکانی نشان داده می‌شوند. به تحلیل مثال زیر می‌پردازیم:

۱. علی در خانه است.

براساس تحلیل ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷:۱۱۵)، برای مثال فوق دو موضوع که به‌ترتیب عبارتند از «علی» و «خانه» در نظر گرفته می‌شود. این دو موضوع اشاره به ظرفیت معنایی محمول فوق نیز دارد. در محمول مکانی مذکور فقط یک فرانش، «علی» در نقش اثرپذیر، وجود دارد. بنابراین، توازن و تعادلی که میان تعداد موضوع‌ها در ساخت منطقی و تعداد فرانش‌ها باید وجود داشته باشد، از بین رفته است.

be- Loc' (x, y)

be- at' (Ali, xane)

۲. مریم در مدرسه بود.

تحلیل مثال (۲) نیز همانند مثال (۱) و به‌صورت زیر است:

be- at' (Maryam, madrese)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مثال (۲) نیز دو موضوع یعنی «مریم» و «مدرسه» و یک فرانش «مریم» اثرپذیر وجود دارد. براساس تحلیل بتین (۲۰۰۴:۳)، برای مثال‌های شماره (۱) و (۲) یک موضوع در ساخت منطقی نمایان می‌شود و همچنین یک فرانش وجود دارد. بنابراین، بند «الف I» اصول اعطای فرانش «اگر فعلی دارای دو موضوع و یا

¹ non-dynamic

² entity

بیشتر در ساخت منطقی خود باشد، دو فرانش می‌پذیرد» (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۵۲)، نقض نمی‌شود و در نتیجه بند «الف II» «اگر فعلی یک موضوع در ساخت منطقی خود داشته باشد یک فرانش می‌پذیرد» (همان)، برقرار می‌گردد.

be' (x, [Loc' (y)])

be' (Ali, [at' (xane)])

be' (Maryam, [at' (madrese)])

در ادامه به بررسی افعال لحظه‌ای، پایا، کنشی و کنشی پایا در زبان فارسی می‌پردازیم.

۳. ۱. ۲. افعال لحظه‌ای

به نظر ون‌ولین (۲۰۰۵: ۳۴)، افعال لحظه‌ای تغییرات لحظه‌ای را نشان می‌دهند و نقطه پایان دارند. رضایی (۱۳۹۱: ۲۹) درباره این افعال می‌نویسد افعال لحظه‌ای «در یک لحظه روی می‌دهند و به پایان می‌رسند». افعال لحظه‌ای از افعال ایستا مشتق می‌شوند و حاوی عملگری به نام INGR هستند. به عقیده بتین (۲۰۰۴: ۹) این دسته از محمول‌ها همانند محمول‌های مکانی ایستا یک فرانش دارند.

به بررسی ساخت منطقی جملات زیر می‌پردازیم.

۳. علی افتاد.

INGR **be'** (x, [pred'¹])

INGR **be'** (Ali, [fall'])

۴. علی مرد.

INGR **be'** (Ali, [die'])

۵. مریم رسید.

INGR **be'** (Maryam, [arrive'])

گروه حرف اضافه‌ای غالباً به سه دسته گروه‌های حرف اضافه‌ای موضوعی^۲، افزوده و موضوع-افزوده^۳ تقسیم می‌شوند (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۵۹). در این بخش، به توصیف دو گروه آخر می‌پردازیم. گروه‌های حرف اضافه افزوده در ساخت منطقی جمله، موضوع محمول محسوب نمی‌شوند و می‌توان آنها را از جمله حذف کرد. این گروه‌ها به لحاظ نحوی در حاشیه مرکز قرار دارند و به لحاظ معنایی همیشه محمولی هستند. به دلیل آن که

¹ [pred'] همان [Loc'(y)] است.

² argument-marking preposition

³ argument-adjunct preposition

این نوع افزوده‌ها مرکز را توصیف می‌کنند، ساخت منطقی مرکز را به‌عنوان یکی از موضوع‌های خود در نظر می‌گیرند. به عبارت بهتر، در بازنمایی معنایی، ساخت منطقی مرکز را به‌عنوان موضوع دوم خود و گروه اسمی درون خود را به‌عنوان موضوع اول محسوب می‌کنند. به‌عنوان مثال، در جمله «علی از درخت افتاد»، «از درخت» افزوده‌ای مکانی است که به‌صورت گروه حرف اضافه آمده است. در بازنمایی معنایی که ون‌ولین و لاپولا (همان) برای جملاتی از این دست عرضه می‌دارند، گروه حرف اضافه افزوده در ابتدای ساخت منطقی قرار می‌گیرد:

۶. علی از درخت افتاد.

be-From' (tree, [INGR fall' (Ali)])

در حالی که بتین (۲۰۰۴:۱۰) این دسته از افزوده‌ها را در انتهای ساخت منطقی قرار

می‌دهد:

be' ([INGR be' (Ali, [fall']), [From' (tree)])

وی معتقد است در بازنمایی فوق، ساخت منطقی مرکز [INGR be' (Ali, [fall'])،

اولین موضوع در ساخت منطقی جمله (x, [from' (tree)]) **be'** است.

در مقابل این گروه، گروه دیگری به‌نام گروه حرف اضافه موضوع-افزوده وجود دارد. به‌نظر ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷:۱۵۹)، دسته یادشده خود به‌منزله محمول تلقی می‌شود. این گروه موضوعی را به بند می‌افزایند و آن را در ساخت منطقی مرکز به اشتراک می‌گذارند و ساخت منطقی مرکز را به‌عنوان موضوعی در نظر نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، گروه حرف اضافه موضوع-افزوده توأمان نقش موضوع و نقش افزوده را در جمله ایفا می‌کنند. به‌علاوه، آنها موضوع و اطلاعات معنایی به بند مذکور می‌افزایند. به‌عنوان مثال، بتین (۲۰۰۴:۱۰) معتقد است گروه حرف اضافه «kin- di gimbatadn» در معنای «to dock» در جمله زیر گروه حرف اضافه موضوع-افزوده به شمار می‌آید:

7. Sia	n-dabu?	[in-dabu?]	kin-di	gimbatadn
3s.Nom	REALIS-fall		to-on	dock
'He fell down to the dock'				

ساخت منطقی جمله فوق براساس تحلیل بتین (همان) به‌صورت زیر است:

INGR **be'** (3s, [fall']) & BECOME **be'** (3s, [on' (gimbatadn)])^۱

^۱ & به‌معنای «سپس» است و توالی زمانی را نشان می‌دهد (فولی و ون‌ولین، ۱۹۸۴:۵۱).

حال به تحلیل جمله زیر می‌پردازیم:

۸. هواپیما درون دریاچه سقوط کرد.

INGR **be'** (havapeyma, [**fall down'**]) & BECOME **be'** (havapeyma, [**into'** (daryatfe)])

۳.۱.۳. افعال پایا

این دسته از افعال در یک بازه زمانی رخ می‌دهند و مشخصه [+پایانی] دارند (ون‌ولین، ۲۰۰۵:۳۴). رضایی (۱۳۹۱:۲۸) درباره این دسته از افعال معتقد است افعال پایا «از جمله فعل‌های تغییر حالت است که قابلیت استمراری دارند و دارای نمود پایانی هستند». ساخت منطقی محمول‌های پایا نیز همانند محمول‌های لحظه‌ای برگرفته از ساخت منطقی محمول ایستا است با این تفاوت که این نوع محمول‌ها عملگری به نام BECOME دارند؛ مانند:

۹. علی نزدیک درخت شد.

در بازنمایی ای که ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷:۱۰۹) برای مثال فوق ارائه می‌دهند، «علی» و

«درخت» هم‌عرض یکدیگر و دو موضوع بند فوق محسوب می‌شوند:

BECOME be- **Loc'** (x, y) BECOME be- **near'** (Ali, deraxt)

در حالی که در ساخت منطقی ای که بتین (۲۰۰۴: ۸-۹) پیشنهاد می‌دهد، «درخت»

به‌عنوان گزاره‌ای مجزا در نظر گرفته می‌شود و تنها موضوع بند مذکور «علی» است که در نقش معنایی اثرپذیر به کار می‌رود.

BECOME **be'**(x, **Loc'** (y)) BECOME **be'** (Ali, [**near'** (deraxt)])

به عنوان مثالی دیگر به بازنمایی ساخت منطقی جمله زیر در چارچوب تحلیل بتین

(۲۰۰۴) می‌پردازیم:

۱۰. کیک در فر سوخت.

be' ([BECOME **be'** (x, [**predicate'**])], [**Loc'** (y)])

be' ([BECOME **be'** (cake, [**burn'**])], [**in'** (oven)])

همان‌طور که از نمونه فوق برمی‌آید، تنها یک موضوع «کیک»، آن هم در نقش معنایی

اثرپذیر، در ساخت منطقی نمایان است.

۳. ۱. ۴. افعال کنشی

افعال کنشی غالباً از گزاره‌های ایستا مشتق نمی‌شوند و گزاره‌ای مستقل به حساب می‌آیند (ون‌ولین، ۱۹۹۰: ۲۲۴؛ نک. بتین ۲۰۰۴: ۱۱). از مهم‌ترین ویژگی‌های افعال کنشی می‌توان به پویا بودن و نامحدود بودن این دسته از افعال به‌لحاظ بازه زمانی اشاره کرد (ون‌ولین، ۲۰۰۵: ۳۳). به تحلیل مثال‌های زیر دقت کنید:

۱۱. مریم در پارک می‌دود.

۱۲. زهرا در پاساژ قدم می‌زند.

۱۳. علی در دریا شنا می‌کند.

ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۱۱۵) جمله‌های فوق را به ترتیب به صورت زیر تحلیل می‌کنند:

be- **Loc'** (x, [**do'** (x, [**predicate'** (x) or (x, y))])

be- **in'** (park, [**do'** (Maryam, [**run'** (Maryam))])

be- **in'** (pasaz, [**do'** (Zahra, [**walk'** (Zahra))])

be- **in'** (darya, [**do'** (Ali, [**swim'** (Ali))])

در جمله شماره (۱۱)، یک موضوع یعنی «مریم» و نیز یک فرانش اثرگذار نمایان است. در جمله‌های (۱۲) و (۱۳) نیز یک موضوع که به ترتیب عبارتند از «زهرا» و «علی» و یک فرانش اثرگذار وجود دارد. همان‌طور که پیداست، در تحلیل مثال‌های فوق تعادل میان تعداد موضوع‌ها در ساخت منطقی و همچنین تعداد فرانش‌ها برقرار است. بنابراین، بند «الف ۱» اصول اعطای فرانش نیز نقض نشده است زیرا این گزاره کنشی یک موضوع و یک فرانش دارد. گروه حرف اضافه مکانی نیز در گزاره فوق از نوع گروه حرف اضافه افزوده‌ای است. به عبارت دیگر، گروه مذکور گروه حرف اضافه محمولی است که اطلاعات معنایی به گزاره کنشی افزوده است و جزئی از موضوع و ظرفیت فعل‌های کنشی «دویدن»، «قدم زدن» و «شنا کردن» محسوب نمی‌شود.

مثال و تحلیلی که بتین (۲۰۰۴: ۱۳-۱۱) ارائه داده است به شرح زیر است:

14. Sia l-em-ongi [-₃ m -longi] di sungi
 3s- Nom -ACY-swim at river
 'He swims in the river'

be' ([**do'** (x, [**predicate'** (x))]) , [**Loc'** (y)])

be' ([**do'** (3s, [**swim'** (3s))]) , [**at'** (sungi)])

به نظر نگارندگان، تنها تفاوتی که میان دو ساخت منطقی ارائه شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و بتین (۲۰۰۴) در رابطه با محمول‌های کنشی مشاهده می‌شود، محل قرار گرفتن گروه حرف اضافه افزوده است. همان‌طور که در بخش «۳. ۱. ۲» نیز اشاره شد، به دلیل آن که گروه حرف اضافه افزوده مرکز را توصیف می‌کند، ساخت منطقی مرکز را به‌عنوان یکی از موضوع‌های خود در نظر می‌گیرد (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۵۹). بتین (۲۰۰۴: ۱۳-۱۱) نیز جهت نیل به این هدف، گروه مذکور را در انتهای ساخت منطقی قرار می‌دهد تا بدین واسطه ساخت منطقی مرکز $be' ([do' (3s, [swim' (3s)])]$ اولین موضوع در ساخت منطقی $be' (x, [at' (sung)])$ محسوب شود.

۳. ۱. ۵. افعال کنشی پایا

افعال کنشی پایا به افعالی گفته می‌شود که نقطه پایان دارند. به عبارت دیگر، دارای ویژگی $[+پویا]$ و $[+پایانی]$ هستند (ون‌ولین، ۲۰۰۵: ۳۴). رضایی (۱۳۹۱: ۲۹-۲۸) معتقد است افعال کنشی نمود پایانی ندارند ولی ممکن است به نحوی به کار روند که دارای نمود پایانی باشند، به این صورت که اگر موضوع دوم فعل کنشی به صورت غیرارجاعی، اسم جنس یا نوع باشد، فعل از نوع کنشی خواهد بود، در غیر این صورت فعل کنشی پایا است. علی غذا خورد: کنشی
علی غذا را خورد: کنشی پایا
حال به تحلیل‌های ارائه شده در چارچوب دستور نقش و ارجاع و همچنین تحلیل پیشنهادی بتین (۲۰۰۴) برای مثال‌های زیر می‌پردازیم.

۱۵. علی به آن طرف رودخانه شنا کرد.

۱۶. فاطمه به سمت پارک می‌دود.

۱۷. سربازان به سمت خیابان رژه می‌روند.

ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۱۱۱) جمله‌های فوق را به ترتیب به صورت زیر صورت‌بندی

می‌کنند:

$do' (x, [predicate' (x)] \& BECOME be- Loc' (x, y))$

$do' (Ali, [swim' (Ali)] \& BECOME be- at other side' (river, Ali))$

$do' (Fateme, [run' (Fateme)] \& BECOME be-at' (park, Fateme))$

$do' (soldiers, [march' (soldiers)] \& BECOME be-at' (street, soldiers))$

بر اساس تحلیل بتین (۱۲:۲۰۰۴) می‌توان مثال‌های فوق را به ترتیب به شکل زیر نوشت:

do' (x, [**predicate'** (x)]) & **BECOME be'** (x, [**Loc'** (y)])

do' (Ali, [**swim'** (Ali)]) & **BECOME be'** (Ali, [**at other side'** (river)])

do' (Fateme, [**run'** (Fateme)]) & **BECOME be'** (Fateme, [**at'** (park)])

do' (soldiers, [**march'** (soldiers)]) & **BECOME be'** (soldiers, [**at'** (street)])

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بتین با جدا کردن مکان و نمایش دادن آن تحت عبارت **Loc'** (y) تعداد موضوع‌ها را در ساخت منطقی به یک کاهش داده است در حالی که با تحلیلی که بر اساس تحلیل ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷:۱۱۱)، در جمله شماره (۱۵)، «river»، در مثال شماره (۱۶)، «park» و در مثال شماره (۱۷)، «street»، نیز بخش درونی ساخت منطقی و هم‌عرض با اثرگذاران جمله‌های خود که به ترتیب عبارتند از «علی»، «فاطمه» و «سربازان» محسوب می‌شوند.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی و دسته‌بندی معنایی محمول‌های مکانی در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش و ارجاع و دو تحلیل متفاوت ارائه شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و بتین (۲۰۰۴) پرداختیم. همچنین فرضیه بتین مبنی بر وجود تناقض نظری در دستور نقش و ارجاع درباره محمول‌های مکانی را بررسی کردیم. پس از بررسی داده‌ها به این نتیجه رسیدیم آنچه بتین تناقض نظری می‌داند و به عدم توازن میان ظرفیت معنایی و تعداد فرائض‌ها در محمول‌های مکانی ایستا اشاره می‌کند، درباره محمول‌های مکانی ایستا در زبان فارسی صدق می‌کند. سپس همین مسئله را درباره افعال لحظه‌ای و پایا نیز بررسی کردیم. نگارندگان معتقدند تنها تفاوتی که میان دو ساخت منطقی عرضه شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و بتین (۲۰۰۴) برای افعال کنشی مشاهده می‌شود، به محل قرار گرفتن گروه حرف اضافه افزوده در این نوع ساخت‌ها مربوط می‌شود. به نظر نگارندگان این سطور، بتین (۲۰۰۴) با جابه‌جا کردن گروه حرف اضافه افزوده و انتقال آن از ابتدای ساخت منطقی به انتهای ساخت منطقی گزاره مدنظر در صدد است نقش این گروه از افزوده‌ها را در ساخت منطقی بهتر نشان دهد زیرا همان‌طور که اشاره شد، گروه یادشده ساخت منطقی مرکز را به‌عنوان یکی از موضوع‌های خود در نظر می‌گیرد و در

بازنمایی‌ای که بتین ارائه می‌دهد، ساخت منطقی مرکز به‌عنوان اولین موضوع در ساخت منطقی جمله محسوب می‌شود. دربارهٔ افعال کنشی پایا نیز فرضیه بتین صدق می‌کند زیرا وی در تمامی تحلیل‌هایش در تلاش است مکان را به‌عنوان گزاره‌ای مستقل نشان دهد تا بدین طریق در تعداد موضوع‌های فعل در ساخت منطقی تغییری اعمال کند. وی در تحلیل افعال کنشی پایا نیز همین شیوه را پی گرفته است و با ساخت منطقی‌ای که ارائه می‌دهد تنها یک عنصر (X) باقی می‌ماند و آن نیز تنها فرانش ساخت مدنظر تلقی می‌شود.

منابع

رضایی، والی (۱۳۹۱). «بررسی نحوی و معنایی فعل‌های ایستا در زبان فارسی». مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. دانشگاه فردوسی مشهد. شمارهٔ پیاپی ۷. صص ۳۸-۲۳.

Boutin, Michael E. (2004). "Locative Predicates in Bonggi".

< <http://linguistics.Buffalo.edu/people/faculty/VanValin/rry.html>.>

Foley, William A., Robert D. Van Valin (1984). *Functional Syntax and Universal Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.

Pavey, Emma. (2010). *The Structure of Language: An Introduction to Grammatical Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.

Van Valin, Robert D. (1990). "Semantic Parameters of Split Intransitivity". *Language* 66 (2). pp. 221-60.

_____ (1996). *Role and Reference Grammar. Concise Encyclopedia of Syntactic Theories*. E. Brown & J. Miller (eds.). New York: Pergamon. pp. 281-294.

Van Valin, Robert D., Randy J. Lopolla (1997). *Syntax: Structure, Meaning and Function*. Cambridge: Cambridge University Press.

Van Valin, Robert D. (2001). *An Introduction to Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.

_____ (2005). *Exploring the Syntax- Semantics Interface*. Cambridge: Cambridge University Press.

Vendler, Zeno (1967). *Linguistics in Philosophy*. Ithaca: Cornell University Press.

An Exploration into Locative Predicates in Persian Based on Role and Reference Grammar¹

Vali Rezai²
Zolaykha Azimdokht³

Received:2015/10/10

Accepted:2016/04/05

Abstract

This paper is concerned with the study of locative predicates in Persian within the Role and Reference Grammar (RRG) framework and two different analyses presented by Van Valin and LaPolla (1997) and also Boutin (2004). Providing a semantically based classification of mentioned predicates in Persian is one of the objectives of this study. The other objective is testing the efficiency of the two analyses especially Boutin's suggestion about locative predicates in Persian. Boutin (2004) argues that there is discrepancy between semantic and syntactic valency of locative predicates within the RRG framework, since, they have a semantic valency of two and a syntactic valency of one in a large number of languages. Hence, these predicates have been treated as exceptions in terms of valency correlation. He believes that if the location (one of the arguments of locative predicates) is treated as a

¹ (DOI): 10.22051/JLR.2016.2436

² .Associate Professor, Linguistics Dept, University of Isfahan, Vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

³ .Doctoral Candidate, Linguistics, University of Isfahan, zazimdokht@gmail.com,
(Corresponding Author).

separate predicate, rather than referring expression, then these verbs are intransitive and not exceptions in terms of valency correlation. The findings of the present study reveal that Boutin's suggestion (2004) holds true in Persian locative states, achievements, accomplishments and active accomplishments, but not for activities.

Keywords: Locative predicates, Role and Reference Grammar, semantic valency